



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بختمان در ولایت فقیه فعلاً در این است که وقتی ما روایات اهل بیت علیهم السلام در ابواب مختلف فقه را مطالعه می کنیم می بینیم که علاوه بر ذکر قوانین و مقررات اسلامی یک مجری نیز به عنوان والی، حاکم، سلطان و امام معرفی شده است، روایات صلاة و صوم و حج و زکات و جهاد را مورد بررسی قرار دادیم و به روایات قضا و حدود رسیدیم که روایاتی را به عنوان نمونه خواندیم و امروز نیز چند خبر خواهیم خواند.

خبر اول: ﴿وباسناده عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: علي الإمام أن يخرج الخبسين في الدين يوم الجمعة إلى الجمعة، ويوم العيد إلى العيد فيرسل معهم، فإذا قضاوا الصلاة والعيد ردهم إلى السجن﴾<sup>۱</sup>.

باید توجه داشته باشیم که صاحبان کتب اربعه در نقل روایت و سند با یکدیگر فرق دارند، مرحوم کلینی فروغاً و اصولاً سعی کرده از خودش تا معصوم تمام وسائط را ذکر کند که خیلی کار پر زحمتی می باشد، از کلینی حدوداً ۱۵ هزار حدیث نقل شده لذا آیت الله العظمی آقای بروجردی در درسشان می فرمودند در کافی ما بیش از صحاح سته آنها خبر وجود دارد خلاصه کافی خیلی مهم می باشد، البته گاهی کافی معلقات دارد به این صورت که در خبر اول سند را کامل ذکر می کند و در اخبار بعدی از وسط سند ذکر می کند و ما باید بدانیم که این خبر سندش معلق به خبر قبلی می باشد، اما شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه ۶ هزار حدیث ذکر کرده و دأب ایشان بر خلاف کافی این است که در سند فقط آخرین راوی را ذکر کرده ولی در آخر کتاب وسائط را معین کرده و همچنین در آخر کتاب

جامع الرواة نیز طرق صدوق ذکر شده است، اما شیخ طوسی چونکه کتب زیادی در اختیارش بوده دأبش این است که اخبار را از کتب أخذ کرده لذا در آخر کتاب وسائط بین خودش و صاحب کتاب را ذکر کرده است بنابراین طرق نقل شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی را باید بدانیم.

**سند حدیث:** شیخ صدوق بإسناد خودش از عبدالله بن سنان نقل کرده و در آخر جامع الرواة جلد ۲ ص ۵۳۶ ذکر شده که طریق شیخ صدوق به عبدالله بن سنان صحیح می باشد لذا خبر سنداً صحیح است.

از این خبر مشخص می شود بیت المال و قضاوت و زندان ها در دست شخصی بوده که قدرت داشته و غیر از ولی فقیه عادل کسی نمی تواند عهده دار این مسئولیت باشد.

خبر دوم: ﴿وباسناده عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن علي عليه السلام قال: يجب على الامام أن يحبس الفساق من العلماء، والجهال من الأطباء، والمفاليس (أى من زال فلوسه) من الأكرياء. قال: وقال عليه السلام: حبس الامام بعد الحد ظلم﴾<sup>۲</sup>.

**سند حدیث:** در آخر جامع الرواة ذکر شده که طریق شیخ صدوق به أحمد بن أبی عبدالله برقی صحیح است لذا این خبر نیز سنداً صحیح می باشد.

این خبر نیز دلالت دارد بر اینکه یک شخصی به عنوان امام که قدرت دارد باید فساق از علماء و جهال از اطباء و مفالیس از اکریاء را کنترل کند و اگر لازم شد حبس کند تا برای مردم جامعه مشکلی بوجود نیاورند البته حبس در اینجا فقط به معنای زندانی کردن نیست بلکه به معنای محدود کردن نیز می باشد، امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: "زلة العالم كانكسار السفينة تغرق و تغرق" گاهی شخصی دوچرخه سوار می شود که اگر اشتباه کند فقط

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۲۲۱، ابواب کیفیة الحكم، باب ۳۲، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۲۲۱، ابواب کیفیة الحكم، باب ۳۲، حدیث ۳، ط الإسلامیة.

خودش صدمه می بیند، گاهی شخصی راننده اتوبوس است که اگر اشتباه کند مثلاً ۲۰ نفر صدمه می بینند، گاهی شخصی خلبان هواپیماست که اگر اشتباه کند صدها نفر صدمه می بینند اما حضرت می فرمایند لغزش عالم مثل شکستن کشتی است که خب هزاران نفر سوار بر کشتی هستند و همگی غرق می شوند پس اگر عالم لغزش کند و فاسق شود پیروان و مریدان او نیز گمراه می شوند زیرا مردم به علماء نگاه خاصی دارند، بله در اصول کافی هست که "اوحی الله تبارک و تعالی الی داوود علیه السلام یا داوود لا تجعل بینی و بینک عالماً مفتوناً بالدنیا فیصدک عن طریقی محبتی فإن اولئک قطاء طریق عبادی المریدین ان أدنی ما أنا صانع بهم إن أنزع حلاوه مناجاتی عن قلوبهم" لذا کسی که در رأس جامعه است باید به این سه دسته از افراد که در روایت ذکر شده اند نظارت داشته باشد و آنها را کنترل کند زیرا تمام آنها در جامعه تأثیر گذار هستند، حضرت امیر علیه السلام نیز می فرمایند "إنما العلوم أربعة؛ الفقه للأدیان والطب للأبدان والنحو للسان والنجوم لمعرفة الأزمان" که تمام این موارد بسیار مهم و تأثیر گذار هستند، علی ای حال امام باید آن سه طائفه که در خیر ذکر شده اند یعنی فساق از علماء و جهال از اطباء و مفاویس از اکریاء را زیر نظر داشته باشد و آنها را کنترل کند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین